



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۹، زمستان ۹۷

دایاسپوراها بازیگران بانفوذ عصر جهانی شدن: تبیینی نظری و تحلیلی موردی^۱

مهدی بهمنی^۲، ناصر اسدی^۳

چکیده

«دایاسپورا» یک مفهوم مهم در علوم اجتماعی معاصر است. این مفهوم در دو دهه اخیر مورد توجه فزاینده‌اندیشمندان رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، علوم سیاسی و مطالعات فرهنگی واقع شده که نتیجه آن را می‌توان سامان یافتن مطالعات دایاسپورا به عنوان یک حوزه نوظهور تحقیقاتی بین‌رشته‌ای دانست. دایاسپوراها امروزه در شمار تأثیرگذارترین بازیگران غیردولتی هستند که هم بر سیاست داخلی کشورها تأثیر گذارند و هم نقش‌های مهمی در حوزه‌های مختلف بین‌الملل ایفا می‌کنند. در منابع فارسی توجه بسیار کمی به این مفهوم و مصادیق آن و تأثیراتی که دارند صورت گرفته، در حالی که در منابع و مراکز علمی غربی توجه بسیار به آن شده است. این مقاله از زاویه نگاه محقق ایرانی در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که دایاسپورا دقیقاً چیست و چه تأثیراتی بر محیط پیرامون خود دارد؟ مراجعه به منابع دسته اول برای تجزیه و تحلیل نظری این پدیده در کنار گونه‌شناسی مصادیق مختلف آن با اتکا به روش مطالعه موردی، رویکرد اصلی این مقاله است که می‌توان با استفاده از آن به سؤال‌های اصلی و فرعی این مقاله پاسخ داد.

کلیدواژه‌ها: بازیگران غیردولتی، دایاسپورا، مهاجرت، روابط بین‌الملل، سیاست بین‌الملل، جهانی شدن

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۹
۲. دکترای مطالعات آمریکا از دانشگاه UCD، پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست جمهوری و مدرس دانشگاه تهران؛ رایانامه: com.gmail@isu.bahmani
۳. دکتری علوم سیاسی از دانشگاه تهران، مشاور در شورای راهبردی روابط خارجی؛ رایانامه: com.gmail@assadi.nasser



۱. مقدمه

«دایاسپورا»^۴ اصلی‌ترین کلیدواژه نوشتار کنونی مفهومی برای توصیف پدیده‌های است که اگرچه قدمتی چند هزار ساله دارد اما در عصر حاضر بیش از هر زمان دیگری مورد توجه مراکز دانشگاهی، محافل تصمیم‌ساز و رسانه‌ها قرار گرفته است. با وجود این، واقعیت موجود حکایت از آن دارد که این مفهوم بسیار مهم در علوم اجتماعی معاصر چندان در منابع و محافل علمی فارسی زبان شناخته شده نیست. هرچند مفاهیم و برداشت از آن‌ها در علوم انسانی همواره با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده اما نکته اینجاست که همین مفاهیم و برداشت‌ها ادراکات فردی و جمعی ما را جهت‌دهی می‌کنند و براساس همین ادراکات سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در یک کشور جامه عمل به خود می‌پوشند. از این منظر و به همان اندازه که تبیین علمی مفهوم دایاسپورا و موشکافی مصادیق عینی آن می‌تواند به توسعه جامعه، سیاست، اقتصاد و فرهنگ ایران در عصر جهانی شدن خدمت کند، غفلت از آن نیز می‌تواند زمینه‌ساز تحمیل آسیب‌های جدی در عرصه تصمیم‌سازی و مدیریت کلان کشور باشد.

پرسش اصلی نوشتار پیش رو این است که دایاسپورا چه تعریف و اهمیتی دارد؟ پاسخ به این پرسش در دو بخش ارائه شده است. بخش نخست که به دنبال تبیین ابعاد نظری و مفهومی این پدیده است تلاش دارد با استفاده از روش مراجعه به منابع دست اول در این زمینه، مخاطبان را با اصلی‌ترین دیدگاه‌ها و مهم‌ترین وجوه تمایز میان دایاسپورا و دیگر گروه‌های دور از وطن آشنا کند. در بخش دوم بر تبیین اهمیت و تحلیل سطح اثرگذاری این بازیگران غیردولتی در روابط و سیاست بین‌الملل معاصر متمرکز خواهیم بود. این بخش که بیشتر به مصادیق می‌پردازد بر روش مطالعه موردی استوار است و اطلاعات موردنیاز خود را از جستجو در منابع کتابخانه‌ای، پایگاه‌های اطلاعاتی آنلاین، اسناد بالادستی کشورها و مواردی از این قبیل گردآوری خواهد کرد. در واقع مباحث بخش دوم بیشتر نقش مکملی برای تحلیل‌های نظری بخش اول ایفا خواهند کرد. چهار پرسش فرعی نیز عبارت‌اند از:

۱. دایاسپوراها چه تأثیرات سیاسی و امنیتی بر جوامع دارند؟
۲. تأثیرات اقتصادی آنها در عصر حاضر چگونه است؟
۳. این بازیگران در عرصه انتقال علم و فناوری چه نقشی ایفا کرده‌اند؟
۴. جایگاه و نقش دایاسپوراها از لحاظ فرهنگی چیست؟

با توجه به اهمیت موضوع مهاجرت در جامعه ایرانی، پژوهش حاضر دو گزاره اصلی فراروی ما قرار می‌دهد؛ نخست اینکه ما باید درک خود را در قبال پدیده مهاجرت و پیچیدگی‌های آن تقویت و گسست‌های علمی و عملی در این زمینه را مرتفع کنیم. اینکه



هنوز حتی بخش قابل توجهی از دانشگاهیان ما شناخت مناسبی از انواع مهاجرت و تأثیر آن‌ها بر کشور مادری ندارند باید به یک دغدغه برای همه تبدیل شود. گزاره دوم اینکه دایاسپورها از ظرفیت‌های غیر قابل انکاری برای خدمت یا خیانت به جوامع برخوردار هستند. در واقع چگونگی جهت گیری فکری و عملی آن‌ها تا حدود زیادی ریشه در چگونگی تعامل با این بازیگران نوظهور دارد. در ادامه هر کدام از این گزاره‌ها بررسی می‌شوند.

۲. تعریف دایاسپورا و پیشینه آن

دانشواژه^۵ «دایاسپورا» در ادبیات سیاسی و فرهنگ روابط بین‌الملل به سختی یک نواژه علمی به شمار می‌آید؛ چنانکه بررسی ریشه‌ها و کاربردهای آن ما را به حدود ۲۰۰۰ سال پیش باز می‌گرداند؛ اگرچه اهمیت، میزان استفاده و حتی معنای آن در طول تاریخ تغییراتی را از سر گذرانده است. از لحاظ واژه‌شناسی، دایاسپورا عبارتی یونانی است از ترکیب دو کلمه «دایا»^۶ به معنای میان، وسط یا سراسر چیزی و «سپیرو»^۷ به مفهوم از هم جدا کردن یا پراکنده کردن (Liddell and Scott, 1996: 148). در یونان باستان لفظ دایاسپیورین^۸ به فرآیندی طبیعی اطلاق می‌شد که در آن میوه از درخت یا دانه از بوته اصلی جدا می‌شد. این فرآیند اگرچه با تفرق و انفکاک عجین بود، در ذات خود باز تولید و حیات دوباره جاندار را به همراه داشت (Tölölyan, 1996: 10).

از منظر تاریخی، این اصطلاح تا قبل از یکی دو قرن اخیر برای انتقال ادراکی کهن، با رنگ و بوی قومی-مذهبی و بیشتر با هدف توصیف وضعیت اجتماعی برخی از اقوام و مذاهب خاص در جهان استفاده می‌شد. مطابق پژوهش‌های مرجع، نخستین کاربرد این واژه با این معنای خاص به زمانی بازمی‌گردد که تورات به زبان لاتین ترجمه شد (Liddell and Scott, 1996: 148، همچنین Cohen, 2008: 21-28 و همچنین Sheffer, 2003: 40-45) ولی این مفهوم بعدها برای گروه‌های دیگر نیز به کار رفت. در عین حال مسلم است که این اصطلاح تا قبل از دوران استعمار بیشتر از هر گروه دیگری از سوی یهودیان ساکن اروپا، یونانیان و ارمنه آواره شده توسط عثمانی به کار رفته و چندان مورد استفاده دیگران نبوده است.

در زبان فارسی واژه دایاسپورا یک اصطلاح جدید وارداتی محسوب می‌شود و هنوز حتی معادل مناسبی برای آن ارائه نشده است. لغتنامه آکسفورد نخستین رکورد ثبت شده از کاربرد این کلمه در زبان انگلیسی را به سال ۱۸۷۶ ارجاع می‌دهد و بیان می‌کند جریان

5. Term
6. Dia
7. Spiro
8. Diaspeirein



پروستنانیزم در اواخر قرن نوزدهم با هدف هویت بخشی و متحد کردن طرفداران خود در قاره اروپا به آن توسل می‌کرد (Oxford English Dictionary Online, 2013). البته میزان توجهات به این دانشواژه و حجم و نوع استفاده از آن در دهه‌های بعد تغییر چندانی نکرد تا اینکه به تعبیر کچیگ تلویان^۹ «بازی تاریخ مسائل را طوری رقم زد تا درست زمانی که دانشنامه علوم اجتماعی^{۱۰} در سال ۱۹۶۸ واژه دایاسپورا را در مجموعه واژگان خود وارد کرد، استفاده از آن و مفاهیم مرتبط با آن نیز شروع به افزایش کرد» (Tölölyan, 1996, 10).

دو عامل اقبال دانشگاه‌های آمریکایی و آثار ویرانگر دو جنگ جهانی اول و دوم به‌خصوص آواره شدن ده‌ها میلیون از ساکنان اروپا که بخش قابل‌وجهی از آن‌ها به آمریکای شمالی مهاجرت کردند - باعث شد تا توجه پژوهشگران و رسانه‌ها بیش از پیش به این مدل از خلق ادبیات و تصویرسازی معطوف شود زیرا این ادبیات خاص، ضمن نوعی گفتمان‌سازی عمومی برای به رسمیت شناختن تفاوت‌های قومی و نژادی، فضایی مناسب برای پذیرش تازه‌واردها شکل می‌داد تا مانع از دامن زدن به اختلاف موجود آن‌ها با ساکنان بومی شود. در واقع، استفاده از مفهوم دایاسپورا و تقویت گفتمان مبتنی بر آن علاوه بر نوعی تصویرسازی مثبت و آمیخته با همدردی با تازه‌واردهایی که مجبور به مهاجرت شده بودند، آن‌ها به‌عنوان گروهی به جامعه میزبان معرفی می‌کرد که با وجود تحمیل برخی هزینه‌ها و حتی تهدیدها می‌توانند فرصت آفرین و مفید باشند (بهمنی، ۱۳۹۵: ۱۰۵-۱۱۰).

کیم باتلر با ارائه تعریفی ساده از این مفهوم پیچیده می‌گوید «واژه دایاسپورا در ساده‌ترین معنای خود پراکندگی گروهی از مردم را از سرزمین مادری‌شان تداعی می‌کند» (Butler, 2001: 189). در کنار این تعریف کوتاه و کلی می‌توان تعریف جزئیتر مؤسسه بین‌المللی برای مهاجرت^{۱۱} را قرار داد: اعضای جوامع قومی و ملی که وطن خود را ترک کرده‌اند اما ارتباطات خود را با آنجا قطع نکرده باشند. اصطلاح دایاسپورا ایده جمعیت‌های فراملی‌گرا را به ذهن منتقل می‌کند که در یک سرزمین مشخص زندگی می‌کنند و در عین حال روابط خود را با وطن حفظ کرده‌اند؛ یعنی هم اینجا هستند و هم آنجا (Ionescu, 2006: 13).

استیون ورتوک به‌نسبت جامع‌ترین تفسیر و تعریف را که مبتنی است بر دسته‌بندی رویکردهای مختلف به این پدیده ارائه کرده است. او عقیده دارد در ادبیات موجود و از خلال طیف متنوع رشته‌هایی که در ارتباط با مطالعات دایاسپورا فعال هستند می‌توان سه معنای متفاوت بر اساس

۹. او یکی از محققان پیشرو در مباحث نظری و تاریخی حوزه مطالعات دایاسپورا به شمار می‌آید و نیز استاد تمام دانشگاه وزلاین در آمریکا و مدیرمسئول مجله علمی-تخصصی «دایاسپورا؛ ژورنالی برای مطالعات فراملی‌گرایی» است.

10. The Encyclopedia of Social Sciences

11. The International Organization for Migration (IOM).



سه نوع رویکرد مختلف مفروض دانست: نخستین معنا که ریشه در دیدگاه‌های سیاسی و اقتصادی دارد، دایاسپوراها را به‌عنوان یک «کنشگر اجتماعی»^{۱۲} معرفی می‌کند که مبتنی بر سه رکن راهبردی هستند:

۱. دارا بودن روابط نظام‌مند اجتماعی، هم در میان اعضای خود و هم با جامعه میزبان
 ۲. داشتن جهت‌گیری سیاسی مبتنی بر هویتی ریشه گرفته از سرزمین مادری
 ۳. بهره‌مندی از تأثیرگذاری راهبردی اقتصادی
- او برجسته‌ترین نمونه‌های این معنا را لابی‌های اسرائیلی و ایرلندی در آمریکا می‌داند (Vertovec, 1997: 278-280).

دیدگاه دوم که بیشتر متکی بر آموزه‌های جامعه‌شناختی و روانشناسانه است دایاسپوراها را «نوعی خودآگاهی»^{۱۳} تلقی می‌کند که امروزه میان جوامع فراملی‌گرای دور از وطن در حال ترویج است. طبق این دیدگاه، هویت افراد در جوامع دایاسپورایی از یک هسته سخت مرکزی تشکیل شده که پیرامون آن لایه‌های گوناگونی تنیده شده است. این لایه‌ها به اقتضای زمان و مکان از قابلیت تغییرپذیری برخوردارند در حالی که هسته مرکزی پایداری بیشتری دارد و در برابر تغییرات مقاومت نشان می‌دهد. ورتوک به مسلمانان اروپا و یهودیان آمریکا به‌عنوان نمونه‌هایی از این حالت اشاره می‌کند که اگرچه ممکن است از کشورهای مختلف و با فرهنگ‌های گوناگون در یک کشور با فرهنگی متفاوت جمع شده و خود را با فرهنگ کشور میزبان وفق داده باشند، در عین حال هسته مرکزی هویت آنها که پیرامون کتاب مقدس و دستورات پیامبرانشان شکل گرفته، از مقاومت بیشتری در برابر ارزش‌های فرهنگی حاکم در جامعه برخوردار است (Vertovec, 1997: 281-287).

معنای اخیر بیشتر برآمده از نظریه‌های انسان‌شناسانه است که دایاسپورا را به‌عنوان «شیوه‌ای از تولید فرهنگی»^{۱۴} در نظر می‌گیرد. این نوع ادبیات که معمولاً ذیل گفتمان جهانی شدن پردازش می‌شود بر پروسه‌های اختلاط فرهنگی، رفت و برگشت‌های مکرر میان کشورهای مختلف، تأثیرات دوجانبه تعاملات و بازتعریف مداوم هویت تکیه دارد و بر نوعی سیالیت در خصوص هویت دایاسپورا تأکید می‌ورزد (Vertovec, ibid).

در جمع‌بندی می‌توان گفت اگرچه ارائه تعریفی همه‌پسند کار آسانی نیست اما می‌توان دایاسپورا را مفهومی دانست که «جوامعی را گرد هم می‌آورد که نه یک ملت کامل هستند، نه نژادی خاص، نه مذهبی معین و نه صرفاً گروهی از مردم که دلتنگ وطن شده باشند؛ با وجود این، تعلقات و قابلیت‌هایی دارند که آن‌ها را مستعد اثرگذاری بر ملت‌ها، نژادها،

12. Social Form
13. Type of Consciousness
14. Mode of Cultural Production



مذاهب و کشورها می‌کند.» (Aikins and White, 2011: 10). محققان بر این باورند که دلیل این اثرگذاری بیش از هر چیز به تخصص مبتنی بر تجربه آن‌ها در تحلیل روندها و نیز درک کارآمد مدیریتی آن‌ها در کنار توانایی شبکه‌سازی مؤثرشان بازمی‌گردد (Kuznetsov & Sa-bel, 2006: 3). مردمی که در عین زندگی کردن و درهم آمیختگی با اهالی کشوری که میزبانی آن‌ها را قبول کرده است، از یک حریم هویتی تمایزبخش با بومیان و اصرار بر حفظ این حریم برخوردارند. این اصرار علاوه بر آنکه جزء ذاتی و رکن هویت بخش دایاسپوراهاست، آن‌ها را از دیگر گروه‌هایی که تصمیم به جلائی وطن می‌گیرند نیز تفکیک می‌کند.^{۱۵} به‌عنوان مثال در ادبیات دانشگاهی غربی، مهاجر^{۱۶} کسی است که با وجود اشتراک با دایاسپورا از حیث ترک وطن، هیچ‌گاه قصد بازگشت به آنجا را ندارد و همزمان با ورود به کشور میزبان فعالانه درگیر فرآیند همانندسازی^{۱۷} با محیط جدید و فاصله گرفتن از هویت پیشین خود می‌شود (Butler, 2001: 189-219). برخلاف مهاجر، ترک وطن برای یک عضو دایاسپورا اگرچه با تلخی جدایی از وطن عجین بوده اما معمولاً مثل جدا شدن گرده از گل، در ذات خود بازتولید و حیات دوباره‌ای را بر مبنای حفظ ارکان هویت سابق به همراه دارد.

۳. ضرورت توجه به دایاسپوراها در عصر جهانی شدن

محققانی همچون جیمز روزنا با اشاره به اهمیت فزاینده بازیگران غیردولتی در عصر جهانی شدن مهم‌ترین مصادیق آن‌ها را تشکل‌های مردم نهاد،^{۱۸} شرکت‌های چندملیتی،^{۱۹} گروه‌های مذهبی، مؤسسات بشردوستانه، انجمن‌های تخصصی،^{۲۰} گروه‌های تروریستی و دایاسپوراها دانسته‌اند (Rosenau, 2006: 29). برای تبیین بهتر این اهمیت، دو دلیل پیش‌زمینه‌ای برای فهم ضرورت توجه بیشتر به دایاسپورا در عصر حاضر ذکر می‌شوند و بعد از آن زمینه‌های اصلی تأثیرگذاری آن‌ها توضیح داده می‌شود.

یک مؤلفه اساسی که توجه محققان را در دو دهه اخیر به پدیده دایاسپورا جلب کرده آمار رو به رشد افرادی است که به هر دلیلی خارج از سرزمین مادری خود زندگی می‌کنند. گروه‌هایی که در دوران حاضر و با تکیه به فناوری‌های نوظهور ارتباطی و ارتباطاتی در حال شکل‌دهی جوامع، هویت‌ها و ارتباطات تازه‌ای در جغرافیایی متفاوت با وطن خود هستند. این

۱۵. مفاهیمی همچون مهاجر، تبعیدی، مقیم، پناهنده، پناهجو، گردشگر، مسافر و مواردی از این قبیل در اولویت قرار دارند.

16. Emigrant

17. Assimilation

18. NGOs (Non-Governmental Organizations)

19. MNCs (Multinational Corporations)

20. Professional Associations



پدیده در خلق یک شبکه فرهنگی و اجتماعی نوین جهانی اثرگذار بوده است. منشأ اثر بودن این بازیگران از یک سو توانسته به یک مورد مطالعاتی تازه برای اندیشمندان و محققان تبدیل شود و از سوی دیگر ذهن سیاستمداران را متوجه خود کند؛ به طوری که برخی ادعا کرده‌اند در حال حاضر «دایاسپوراها به عنوان کارگزاران دائمی کردن منازعات یا ارائه‌دهنده راه‌هایی برای حل و فصل مناقشات یا به عنوان نیروهای تسهیل‌گر توسعه ملی یا حمایت‌گران جبهه لیبرال-دموکراسی در حال معرفی و مطالعه هستند» (Anderson, 2008: 2).

مؤلفه کلیدی دوم، تحول قابل توجه و توسعه انکارنشدنی فناوری‌های ارتباطی است. تلفن، هواپیما، اینترنت و مواردی از این قبیل در میان مؤثرترین عوامل سهولت بخشی هستند که نه تنها باعث حفظ و تقویت ارتباط افراد با سرزمین آبا و اجدادی خود می‌شوند بلکه مشوق‌های مهمی برای ترغیب آن‌ها به ترک وطن یا بازگشت به آنجا - هر چند برای کوتاه‌مدت - به شمار می‌آیند. به اعتقاد جیمز کلیفورد^{۲۱} امروزه عضویت در جوامع دایاسپورایی توانمندی‌های بالقوه‌های را فراهم می‌کند که شاید بتوان مهم‌ترین آن‌ها را ظرفیت‌سازی برای بسیج حمایت‌های فراملی و بین‌المللی عنوان کرد؛ حال چه در وطن باشد چه در کشور میزبان (Clifford, 1994: 307-315).

درواقع اگرچه مهاجرت‌های فراملی^{۲۲} و ارتباط مهاجران با کشورهای خودشان همواره وجود داشته و صرفاً به امروز اختصاص ندارد، لکن جوهره و کیفیت این ارتباطات در گذر زمان تغییرات چشمگیری را شاهد بوده است. «امروزه این ارتباط فرآیند اتصال‌دهنده‌ای است که در بستر بازسازی اقتصاد جهانی، فرآیندهای انباشت سرمایه و همچنین توسعه دسترسی‌ها به فناوری‌های مسافرتی و اطلاعاتی جدید شکل گرفته است» (Al-Ali, 2007: 3). در ادامه به مهم‌ترین زمینه‌های اثرگذاری این بازیگران در دوران کنونی می‌پردازیم.

۳.۱. تأثیرات سیاسی - امنیتی

باید یادآور شد دایاسپوراها متناسب با شرایط مختلفی که در آن به سر می‌برند بسیج می‌شوند نه فارغ از آن. پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که اقدامات سیاسی این پاره‌های جمعیتی خارج از وطن، طیف وسیعی را شامل می‌شوند و اینطور نیست که لزوماً ماهیت سازنده‌ای داشته باشند (Abdile and PäiviPirkkalainen, 2011: 48-). و همچنین (Lyons & Mandaville, 2010: 4). در این میان نوع ارتباطی که در ذهن اعضای دایاسپورا نسبت به وطن ساخته و پرداخته می‌شود از نقش بسیار تعیین‌کننده‌های

۲۱. مردم‌شناس و مورخ صاحب نام دانشگاه هاروارد

22. Transnational Migration(s)



برخوردار است چون وطن برای این افراد بیشتر نقش نمادین و روحی-روانی دارد. در نتیجه اینکه برداشت ذهنی و حالت روحی مذکور چطور و با چه سمت و سویی شکل گرفته باشد تأثیر عمیقی در فرآیند بازتعریف هویت و بعد از آن در مرحله تعیین راهبردها و اقدامات دارد (Appadurai, 1990). مثلاً دایاسپوراهای بحران‌زاد^{۲۳} به عنوان اصلی‌ترین نمونه از گروه‌هایی که به اجبار وطن خود را ترک کرده‌اند، تأثیر تخریبی غیرقابل انکاری بر صلح و ثبات بین‌المللی داشته‌اند.

این جوامع دارای مجموعه مشخصی از خاطرات تلخ هستند که آن‌ها را مستعد پیریزی و دنباله‌روی از راهبردهای بحران‌آفرین^{۲۴} می‌کنند. این دسته عموماً با دولت حاکم در سرزمین مادری روابط چالش‌برانگیزی دارند و نسبت به دایاسپوراهای دیگر تمایل کمتری از خود برای سازش نشان می‌دهند. در مقابل، دایاسپوراهایی هستند که اعضای آن‌ها با اختیار و براساس انگیزه‌هایی همچون کسب علم یا فعالیت اقتصادی ترک وطن کرده‌اند. این افراد نوعاً ارتباطی سازنده با وطن برقرار می‌کنند در حالیکه به گواه تاریخ گروه‌های بحران‌زاد نقش برجسته‌ای در طولانی کردن منازعات بر عهده داشته‌اند (Lyons, 2007). دایاسپورای ایرلندی-آمریکایی یکی از برجسته‌ترین نمونه‌ها در این زمینه است زیرا برای حدود یک و نیم قرن به یکی از چالش‌های اصلی امنیت ملی دولت بریتانیا و حتی قاره اروپا تبدیل شده بود.

حدود ۷۰ میلیون ایرلندی و ایرلندی‌تبار در سراسر دنیا (عمدتاً در آمریکای شمالی، اروپای غربی و استرالیا) پراکنده هستند (Haynie, 2016). این افراد در یک بازه زمانی حدود صد و پنجاه ساله و در اثر فشارهای سیستماتیک که از طرف نیروهای اشغالگر انگلیسی بر آن‌ها وارد می‌شد، خانه و کاشانه خود را ترک کردند. خیل عظیم ایرلندی‌هایی که با خاطرهای تلخ مجبور به ترک ایرلند شدند، از همان ابتدای آوارگی و همزمان با فرایند استقرار در وطن جدید، اقدام به راه‌اندازی جنبش‌های ضداستعماری کردند. بین آن‌ها فعال‌ترین و مؤثرترین جنبش توسط ایرلندی‌های مقیم ایالات متحده سازماندهی شد. طبق تحقیقات موجود، بیشتر این افراد خود را تبعیدی‌های سیاسی و مذهبی قلمداد می‌کردند که قربانی سیاست‌های خصمانه دولت بریتانیا شده‌اند. همین باور آن‌ها را ترغیب می‌کرد تا تلاش خود را برای ایجاد اختلال در روابط واشنگتن-لندن به کار ببندند (Shain, 1994: 90). اما وقتی که این تلاش‌ها در عمل و به خاطر پیوند عمیق دوطرف نتوانست ایرلندی‌های مقیم آمریکا را به خواسته مطلوبشان برساند، فاز بعدی اقداماتشان در اوایل قرن بیستم کلید خورد و تا امروز نیز ادامه داشته است.

23. Conflict-generated

24. Conflict-generator



در این میان و علاوه بر ابتکارات رسانه‌ای که باعث زنده نگه داشتن روحیه ضدانگلیسی در نسل‌های مختلف می‌شد، مهم‌ترین اقدامات دایاسپورایی عبارت بوده‌اند از ارسال کمک‌های مالی و تسلیحاتی برای گروه‌های مسلحی که در خاک ایرلند علیه ارتش بریتانیا می‌جنگیدند. این حمایت‌های هدفمند و اثرگذار که منجر به تشکیل و تقویت ارتش جمهوری خواه ایرلند^{۲۵} شد تا پایان قرن بیستم تداوم داشت و یکی از طولانی‌ترین و خونبارترین بحران‌های امنیتی اروپا و جهان را رقم زد (Robert White, 1989)؛ بحرانی که با وجود تلاش‌های بسیار و برخلاف برخی توفیقات در دو دهه اخیر، همچنان خاستگاه تنش‌های خشونت‌آمیز میان دو طرف است.^{۲۶}

واقعیت این است که رابطه ناگسستنی دایاسپوراها با سرزمین مادری و حضورشان در جغرافیایی متفاوت با وطن به آن‌ها این امکان را می‌دهد تا مسائل داخلی را به سطوح بین‌المللی بکشانند. این قابلیت افزون بر آنکه می‌تواند به تقویت جایگاه و نفوذ آن‌ها کمک کند، امکان بیشتری برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی نیز در اختیارشان قرار می‌دهد. این قابلیت در شرایطی نظیر بحران یا جنگ داخلی باعث تقویت موضع آن دسته از نیروهای در وطن می‌شود که از حمایت دایاسپورا برخوردار هستند (Kaldor, 2001: 9).

جنبه دیگر بحث به استفاده ابزاری دولت‌های میزبان از دایاسپوراهای مستقر در سرزمین تحت حاکمیت خود بازمی‌گردد. این وضعیت اساساً به منظور جبران ضعف دولت میزبان و دایاسپورا در تحقق اهداف مطلوبی است که به هر دلیل امکان یا توان محقق کردن آن‌ها را ندارند. به عنوان مثال دایاسپورای عراقی-آمریکایی نقش مهمی در اجرای راهبرد خاورمیانه‌ای ایالات متحده و به خصوص در پیشبرد سیاست خارجی این کشور در قبال عراق برعهده داشته است. فارغ از دیدگاه‌های افراطی مدافعان و مخالفان این اقدامات آنچه غیرقابل انکار است این است که بدون همفکری و همکاری سازمان‌ها و تشکل‌های متعلق به عراقی‌های مقیم آمریکا، واشنگتن امکانی برای اجرای سیاست تغییر رژیم در این کشور را نداشت.

25. The Irish Republican Army (IRA)

۲۶. این بحران برای چندین دهه است که یکی از مهم‌ترین بحران‌های امنیتی و اجتماعی اروپای غربی به شمار می‌آید. اگرچه در دوران تونی بلر و با وساطت دولت بیل کلینتن گام‌های مهمی برای رفع این منازعه برداشته شد اما همچنان تنش‌ها میان دو طرف ادامه دارد. در این میان نقش دایاسپورای ایرلندی-آمریکایی در تداوم و تعدیل این تنش، از سوی بسیاری از محققان برجسته‌ترین فاکتور معرفی می‌شود. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع شود به:

Feargal Cochrane, Bahar Baser, and Ashok Swain, 'Home Thoughts from Abroad: Diasporas and Peace-Building in Northern Ireland and Sri Lanka', *Studies in Conflict and Terrorism*, Vol. 32, Issue 8, August 2009, 681-704, also see: Russell, Martin, *Diaspora Strategies and Conflict Transformation: Irish-America In The Northern Ireland Conflict (1968-1995)*, PhD dissertation in UCD Clinton Institute for American Studies, Dublin, 2013.



عراقی‌های آمریکایی و تشکل‌های وابسته به آن‌ها از یک سو با تکیه بر شبکه ارتباطاتی خود که با بدنه جامعه عراق داشتند و از سوی دیگر به خاطر نزدیکی به افراد و کانون‌های قدرت تأثیرگذار در واشنگتن، علاوه بر جلب حمایت‌های گسترده دولت آمریکا از اقدام علیه رژیم بعثی، توانستند خود را در قامت معتمدان مورد وثوق کاخ سفید برای اداره عراق اشغال‌شده در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ اثبات کنند. شراکت راهبردی تشکل‌هایی چون کنگره ملی عراق،^{۲۷} جنبش وفاق ملی عراق^{۲۸} یا بنیاد عراق^{۲۹} با واشنگتن در راستای اجرای پروژه‌های بلندمدت و میان‌مدت زیرساختی همچون تغییر نظام سیاسی، ایجاد نظام آموزشی، پاکسازی نظام اداری، تقویت جبهه رسانه‌ای طرفدار غرب و تسلط بر گلوگاه‌های اقتصادی که بین سال‌های ۱۹۹۱ تا امروز با برنامه‌ریزی و پشتیبانی گسترده مالی و لجستیکی آمریکا در عراق صورت گرفته‌اند این امکان را فراهم کرد تا ضمن ایجاد شبکه‌ای پیچیده از نیروهای حامی و همسوی خود در عراق، فرصتی ارزشمند برای نفوذ راهبردی بیشتر در منطقه خاورمیانه به دست بیاورد.^{۳۰}

البته این مدل اقدامات که در نهایت به ایجاد بی‌ثباتی و تنش در صلح و امنیت بین‌الملل منجر می‌شوند تنها مختص به همکاری آمریکا با دایاسپورای عراقی مستقر در آن کشور نیست بلکه مطابق تحقیقاتی که در دپارتمان تحلیل و حل مناقشات دانشگاه جرج ماسون^{۳۱} صورت گرفته، ظرفیت بحران‌آفرینی توسط دایاسپوراهای مستقر در آمریکا و کانادا به‌طور متوسط شش برابر بیشتر از دیگر کشورهاست (Lynos, 2004: 8-9). نقشی که افغانستانی‌های آمریکایی، کروات‌های آمریکایی، اسرائیلی‌های آمریکایی، گرجستانی‌های آمریکایی، لیبیایی‌های آمریکایی، کوبایی‌های آمریکایی یا تامیلی‌ها و ارمنی‌های کانادایی در ارتباط با کشورهایشان ایفا کرده‌اند، تفاوت ماهوی چندانی با تجربه‌ای ندارد که از عراقی‌های آمریکایی سراغ داریم.

27. Iraqi National Congress (INC)

28. Iraqi National Congress (INC)

29. Iraq Foundation (IF)

۳۰. آثاری که در زمینه تحلیل سیاست خارجی آمریکا در قبال عراق موجودند طیف وسیعی از تحلیل‌های مختلف را دربرمی‌گیرند که یکی از اصلی‌ترین محورهای آنها تبیین نقش عراقی-آمریکایی‌ها در این رابطه است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه می‌توان به آثار زیر رجوع کرد:

George Farag, "Diaspora and Transitional Administration: Shiite Iraqi Diaspora and the Administration of Post-Saddam Hussein Iraq", PhD dissertation in Cultural Anthropology, Syracuse University, 2007; همچنین، Toby Dodge, "Iraqi Transitions: From Regime Change to State Collapse", *Third World Quarterly*, Vol. 26, No. 4/5: (2005); همچنین، Sylvia Sánchez Villa, "In-or Outsiders? The Return of Qualified Diaspora Members and Their Role in Rebuilding Post-Conflict Governance", *The BSIS Journal of International Studies*, Vol 8 (2011).

31. School for Conflict Analysis and Resolution at George Masson University



به نظر می‌رسد همان‌گونه که جریان پروتستانیزم در قرن نوزدهم تلاش کرد با ترویج مفهوم دایاسپورا به طرفداران خود هویتی واحد با رنگ و لعاب مظلومیت ببخشد، در دوران حاضر نیز طراحان راهبردهای سیاست خارجی در آمریکای کوشند با ترویج این نوع ادبیات و نیز با پشتیبانی راهبردی از این جوامع، جبهه متحدی در جهت تحقق اهداف و سیاست‌های جهانی خود تشکیل بدهند (بهمنی، ۱۳۹۵: ۱۰۶-۱۰۷ و همچنین 33: Jentleson, 2004). حصول این مطلوب در میان مدت و بلندمدت نه تنها ضعف‌های واشنگتن در جنبه‌هایی چون گردآوری اطلاعات از جوامع هدف، توزیع هدفمند دستورالعمل‌های لازم و اعمال نفوذ مؤثر در کشورها را جبران می‌کند بلکه می‌تواند فرصت‌ها و ابزارهای مهمی برای سرنگونی نظام‌های رقیب و به قدرت رساندن جریان‌های همسوی واشنگتن را فراهم آورد.

متأسفانه در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم که اقلیتی از ایرانیان مقیم آمریکا و برخی کشورهای اروپای غربی نیز وارد چنین طرح خطرناکی شده‌اند.^{۳۲} اقدامات این گروه اگرچه هنوز در حد و اندازه موارد مذکور نیست، می‌تواند زنگ خطری برای ایرانیان داخل و خارج از کشور باشد. بحران آفرینی دایاسپوراها به‌عنوان یک تهدید امنیتی فقط دامنگیر کشورهای مادری آن‌ها نشده بلکه در مواردی نیز منجر به تنش‌زایی برای کشورهای میزبان نیز می‌شود. قطع روابط دیپلماتیک ترکیه و کانادا بر سر اقدامات ارمنی‌های مستقر در کانادا یا تنش در روابط سریلانکا با کانادا به دلیل عدم اعمال فشار بر جدایی‌طلبان تامیلی از این سنخ هستند. تنش‌های میان ترک‌های مقیم آلمان با کردهای این کشور بر سر اختلافات آن‌ها در خصوص سیاست‌های دولت ترکیه نیز از همین گونه است. همچنین درگیری‌ها میان عراقی‌های مقیم آمریکا در خصوص حمایت یا مخالفت با سیاست تغییر رژیم و حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ نیز مثال دیگری است که همگی باعث واکنش دولت و مردم جامعه میزبان نسبت به این اقدامات را در پی داشته است (Bell, 2007 و Geislerova, 2007). روی دیگر سکه، رادیکال شدن فضای جامعه میزبان علیه مهاجران است (Erasmus, Sep 2017).

بررسی نقش دایاسپوراها در سیاست و امنیت جهانی در دهه‌های اخیر یک گفتمان تحقیقاتی مهم میان پژوهشگران بوده است. در حالی که گروهی بر این باورند که نقش سازنده این جوامع در تقویت صلح و امنیت کمتر مورد توجه قرار گرفته، دلیل آن را بیش از هر چیز غلبه دیدگاه گروه‌هایی از پژوهشگران می‌دانند که دایاسپوراها را بخشی از مشکل تصور می‌کنند تا راه‌حل (Geislerova, 2007, 96). واقعیت دیگر این است که از لحاظ کمی نمونه‌های نقش آفرینی منفی این جوامع بیشتر از موارد مثبت آن‌ها نیست اما نکته مهم اینجاست که تأثیرات مخربی

۳۲. نامه گروهی از فعالان سیاسی و مدنی ایرانی به ترامپ: «تحریم‌ها را تشدید کنید»، لینک خبر: <http://farsi.alarabiya.net/fa/iran/2016/12/25> (آخرین دسترسی ۸ آبان ۱۳۹۶)



که این نقش آفرینی‌ها بر صلح و ثبات جهانی داشته‌اند بسیار بیشتر از تأثیرات مثبت و سازنده به چشم می‌آیند.

در هر حال درک رابطه دایاسپوراها با صلح و امنیت بین‌الملل و استخراج مدل‌های نقش آفرینی این بازیگران در تعامل با وطن قدیم و موطن جدید نیازمند مطالعات بیشتری است اما به‌طور کلی این جوامع نقش‌های متنوعی در چرخه سیاست و امنیت ایفا می‌کنند که برجسته‌ترین آن‌ها را می‌توان در این موارد ذکر کرد: لابی‌گری با دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی برای تدوین راهبردها و سیاست‌ها، جمع‌آوری و سازماندهی کمک‌های مالی، تبادل اطلاعات، تبلیغات رسانه‌ای و مشارکت در پروژه‌های زیرساختی (Baser and Swain, 2008). این بحث می‌تواند نقطه عزیمتی برای اشاره به جنبه دیگری از تأثیرگذاری دایاسپوراها بر روابط بین‌الملل باشد.

۲.۳. تأثیرات اقتصادی

همانند عرصه سیاست و امنیت، در این حوزه نیز تأثیرات دایاسپورا طیف متنوعی را دربر گرفته است و از مشارکت مستقیم و غیرمستقیم در بازار کالا و سرمایه گرفته تا نقش آفرینی فعال در زمینه بارزگانی و بازاریابی تا مدیریت نیروی کار و از همه بیشتر در زمینه جابجایی‌های پولی و مالی میان وطن و کشور میزبان را شامل می‌شود. در همین مورد اخیر، انواع مختلفی از نقل و انتقال مالی وجود دارد. این فعالیت‌ها دربردارنده «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی»^{۳۳} ارسال پول برای خانواده و دوستان یا همان ریمیتنس^{۳۴} پس‌انداز، تجارت، سرمایه‌گذاری در زمینه راه‌اندازی کسب و کارهای نوپا،^{۳۵} خرید ملک یا کمک‌های بشردوستانه^{۳۶} هستند (Ionescu, 2006, 44). در میان این موارد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ارسال پول و تجارت از اهمیتی بیشتر برخوردار هستند. گیلز لروا می‌گوید «دایاسپوراها از طریق تجارت و سرمایه‌گذاری موجب تسهیل تبادل منابع، کالا، خدمات، دانش، فناوری و سرمایه میان وطن و کشور میزبان می‌شوند. علاوه بر آنکه کارآفرینان خارج از کشور در روند توسعه اقتصادی وطن مشارکت دارند» (Geislerova, 2007: 98). همچنین الگوهای استاندارد موجود از تجارت جهانی بیان می‌کنند که جریان‌های متصل به مهاجرت و سرمایه بین‌المللی مبنایی‌ترین ویژگی‌های عصر جهانی شدن هستند (Federici and Giannetti: 2010).

دایاسپوراها درگیر در کسب و کارهای فراملی با ایفای نقش واسطه‌ای به‌طور همزمان علاوه بر تحصیل سود برای خودشان، می‌توانند مجرای مناسبی برای ارتقای بهره‌وری و افزایش

33. Foreign Direct Investments (FDI)

34. Remittance

35. Start-up company



سود از طریق خلق فرصت و کمک به مدیریت کارآمد در کشورهای مختلف باشند. طبق تحقیقات، این بازیگران نوظهور می‌توانند مستقیماً و در مقام سرمایه‌گذار خارجی عمل کنند یا فعالانه درگیر فرایند جذب سرمایه‌گذاران غیربومی در کشورها شوند. چین مثال برجسته‌ای در این زمینه است که توانسته سهم هنگفتی از بازار جهانی را از آن خود کند. طبق آمار، حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشور متعلق به دایاسپورای چینی بوده است (Sauvant et al, 2011: 7-17, و همچنین IOM, 2003, و همچنین OECD, 2017).

ریمیتنس یا حواله و پول ارسالی برای خانواده یا دوستان در وطن عرصه دیگری است که دایاسپوراها را در عملیات‌های مالی بین‌المللی مطرح می‌کند. تعریفی که به صورت کلی از این حواله‌ها صورت گرفته به این قرار است: «مقداری از درآمد یک مهاجر که از کشور میزبان خود به وطن می‌فرستد. اگرچه این حواله‌ها می‌توانند در اشکال مختلفی باشند اما واژه ریمیتنس [یا همان حواله] صرفاً به تبادلات پولی اطلاق می‌شود» (Sorenson, 2004: 4). این حواله‌ها می‌توانند فردی یا گروهی باشند و با اهداف مختلف به اجرا درآیند. مثلاً در پی حمله آمریکا به عراق جمعی از عراقی‌های مسیحی مقیم آمریکا تحت تأثیر بحران شدید امنیتی و اقتصادی در کشور مادری و با هدف حمایت از هم‌کشیان خود، شبکه‌ای ترتیب دادند که هدف آن ارسال کمک‌های نقدی برای آوارگان و اقشار آسیب‌پذیر مسیحی در عراق و کشورهای همجوار بود. آن‌ها ظرف کمتر از پنج سال بیش از ۱۰ هزار خانواده مسیحی عراقی را از کمک‌های خود بهره‌مند ساختند (Blayney, 2011).

گزارش‌ها حاکی از آن هستند که پول‌های ارسالی توسط مهاجرانی که وطن آن‌ها در گروه کشورهای در حال توسعه تعریف می‌شوند، در سال ۲۰۰۶ از مرز ۲۰۰ میلیارد دلار گذشت. این رقم با ۷ میلیارد رشد نه تنها از رقم ۱۹۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ پیشی گرفته بود بلکه حدود دو برابر ارقام ثبت شده در سال ۲۰۰۱ بود (Ratha, 2007). آمارهای منتشر شده در سال ۲۰۰۷ توسط صندوق بین‌المللی برای توسعه کشاورزی^{۳۶} رشد چشمگیر این پول‌ها را با رقمی حدود ۳۰۰ میلیارد دلار نشان می‌دهد (IFAD, 2007). این رشد با نرخ ثابت ادامه پیدا کرد تا در سال ۲۰۱۳ به ۵۵۰ میلیارد دلار رسید (World Bank, 2013). نگاهی به سهم کشورهای دریافت‌کننده در گذر زمان به درک بهتر ما از نقش این عامل در اقتصاد جهانی کمک خواهد کرد. در سال ۲۰۰۴ مکزیک با ۱۱ میلیارد دلار و هند با ۱۰ میلیارد در صدر فهرست کشورهای مورد نظر قرار داشتند (UNECE, 2005)، در حالیکه در سال ۲۰۱۳ هند با ۷۱ میلیارد دلار، چین با ۶۰ میلیارد، فیلیپین با ۲۶ میلیارد و مکزیک با ۲۲ میلیارد اصلی‌ترین دریافت‌کنندگان این پول‌ها در جهان بوده‌اند (World Bank, 2013).



جالب اینجاست که همه این موارد تنها آمار رسمی ثبت شده‌ای هستند که به مراجع مربوطه اعلام شده‌اند، حال آنکه به اعتقاد ترنر، با اضافه کردن رقم تقریبی مواردی که ثبت نمی‌شوند این رکوردها حداقل چیزی حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد افزایش خواهند یافت (Turner, 2008: 4). هزینه بالای نقل و انتقال وجوهی که توسط بانک‌ها و صرافی‌ها اخذ می‌شوند همیشه عامل مهمی برای ترغیب افراد جهت یافتن کانال‌های غیررسمی برای این جابجایی‌ها بوده‌است.

نقش این پول‌ها در کاهش فقر جوامعی که دریافت‌کننده آن‌ها هستند توسط محققان به‌طور مبسوط به بحث گذاشته شده است^{۳۷} تا جایی که برخی این نظام اقتصادی غیررسمی را «اقتصاد اخلاقی دایاسپورا» نامیده‌اند که نسبت به حمایت از خویشاوندان و دوستان متعهد است و حتی در برخی وضعیت‌ها همچون جنگ، بلایای طبیعی یا وقایع تلخ اجتماعی، چتر حمایتی آن گروه‌های گسترده‌تری را نیز پوشش می‌دهد (Radtje, 2005). در کشورهای بحران‌زدهای نظیر سومالی یا هائیتی این کمک‌ها روزنه‌ی امیدی برای فقراست و معمولاً نیازهای ابتدایی این اقشار از جمله تغذیه، آموزش و سلامت از محل کمک‌های دایاسپورا فراهم می‌شوند (Geislerova, 2007: 98).

در کنار این مزیت‌ها، معایبی نیز برای این شکل از نقش آفرینی اقتصادی برشمرده می‌شود که سه مورد بیشتر از بقیه قابل توجه هستند: دامن‌زدن به شکاف‌های اجتماعی، افزایش فرار مغزها و کاهش ارزش پول ملی (Turner, 2008; see also: Federici & Giannetti, 2010). علاوه بر این «پول‌های ارسالی دایاسپورا ممکن است به سمت بخش‌هایی که جامعه نیاز به پرورش نیروی کار توانمند دارد هدایت نشوند یا اینکه هدف آن‌ها کمک به توسعه پایدار مورد نظر دولت‌ها نباشد» (Ionescu, 2006: 41).

اگر از دیدگاه دولت‌ها به موضوع بنگریم، پول‌های ارسالی توسط دایاسپوراها می‌توانند مثل یک شمشیر دولبه در کشور مادری عمل کنند. کسانی مانند دیوفیلد دریافت‌کنندگان این پول‌ها را متحدان جبهه لیبرال دمکراسی می‌داند و می‌گوید تزریق کمک‌های مالی دایاسپورایی در هماهنگی با نهادهای غیردولتی می‌تواند زمینه‌ای مساعد برای توسعه نهادهای همسو در قالب جامعه مدنی باشد. این مسئله چیزی است که منجر به محدود کردن حوزه اقتدار دولت‌ها می‌شود و تبعاً مقاومت‌هایی را از سوی هیئت حاکمه در پی خواهد داشت، به خصوص اگر حساسیت‌های امنیتی را هم برانگیخته باشد (Duffield, 2001: 153-4).

۳۷. رجوع به:

Kathleen Newland and Erin Patrick, "Beyond Remittances: The Role of Diaspora in Poverty Reduction in their Countries of Origin," Migration Policy Institute, at: <http://www.migrationpolicy.org/research/beyond-remittances-role-diaspora-poverty-reduction-their-countries-origin> (15 July 2014); see also «IOM and Remittances», at: http://www.egypt.iom.int/Doc/final_reduce_2007_EN.pdf (15 July 2014).



در جمع‌بندی می‌توان گفت هرچقدر فعالیت‌ها و تأثیرات اقتصادی دایاسپورها معطوف به تحقق توسعه پایدار باشد از مطلوبیت بیشتری برخوردار است. دو کشور چین و هند در دهه‌های اخیر بالاترین رکوردها را در زمینه مشارکت‌های اقتصادی دایاسپورهای خود تجربه کرده‌اند. ولی مشارکت چینی‌های خارج از کشور در وطنشان که بیشتر هم‌در قالب سرمایه‌گذاری بوده است، باعث شده نقش آن‌ها در توسعه پایدار و افزایش رشد اقتصادی این کشور بیشتر باشد. این در حالی است که هندی‌ها بیشتر ترجیح داده‌اند با ارسال پول برای اقوام خود در این عرصه فعال باشند و این سبب کم‌رنگ شدن نقش آن‌ها در زمینه توسعه پایدار شده است (Ionescu, 2006, 44).

فعالیت‌های اقتصادی دایاسپورها تنها ناظر به کشور مادری نیست بلکه قابلیت اثرگذاری بر کشور میزبان را نیز دارند. از مهم‌ترین این موارد می‌توان به کمک به توسعه اشتغال، ارتقای علمی و بازاریابی بین‌المللی برای تولیدات شرکت‌های کشور میزبان اشاره کرد. رابرت لوکاس با اشاره به موفقیت آمریکا و کانادا در جذب مهاجرانی از کشورهای در حال توسعه که از سطح مهارت بالایی نیز برخوردار هستند، منفعت این جابجایی‌ها را محدود به کشور میزبان نمی‌داند. او معتقد است این افراد در قالب یک رژیم مهاجرت کارآمد می‌توانند برای همه طرف‌ها سود به ارمغان بیاورند؛ از جمله اینکه باعث تقویت صادرات از وطن خود به کشور میزبان شوند. شاهد مثالی که او برای اثبات این ادعا ذکر می‌کند افزایش ورود کالا از کشورهای شرق آسیا به کانادا در دهه پایانی قرن ۲۰ و سال‌های آغازین قرن ۲۱ است (Lucas, 2005: 147-149).

۳.۳. تأثیرات علمی و فنی

تبادل دانش، مهارت و فن میان اقوام از دیرباز وجه مهمی از تاریخ بشر بوده که عموماً هم در قالب مهاجرت ولو برای مدتی کوتاه امکان‌پذیر می‌شده است. دانش در کنار تریببات نهادی، رهبری و مسئولیت‌پذیری چهار شاخص زیربنایی هستند که برنامه توسعه سازمان ملل^{۳۸} برای سنجش ظرفیت توسعه در جوامع مختلف به کار می‌برد (UNDP, Oct 2010: 13). محققان و صاحب‌نظران حوزه انتقال دانش قائل به وجود دو دسته دانش هستند: «دانش صریح» و «دانش ضمنی»^{۳۹}. نوع صریح دانش به راحتی قابل فهم و انتقال است، معمولاً ثبت شده است و از طریق منابعی همچون کتاب، دفترچه راهنما، گزارش، اسناد و پایگاه‌های اطلاعاتی در اختیار دیگران قرار می‌گیرد. استادان، پژوهشگران و دانشجویان اصلی‌ترین مشارکت‌کنندگان در تولید و

38. United Nations Development Program (UNDP)

39. "Explicit" and "Tacit"



نشر این قسم از دانش هستند در حالی که «دانش ضمنی» شخصی است، به این معنی که به سختی قابل فرموله شدن و انتقال به دیگران است. همچنین این شکل از دانش به طور عام پیچیده تر از نوع قبلی است. معرفتی پیچیده که در قالب تجربه و الگوهای ذهنی آن‌هم در گذر زمان برای فرد حاصل می‌شود. این وضعیت گویای آن است که این مدل از دانش بشری احتمالاً از مجرای روابط میان افراد بهتر منتقل می‌شود تا از خلال ساختارهای کانالیزه شده مرسوم. بهترین روش شاید مشاوره دادن، اتاق‌های گفتگو، کار گروهی و فرصت‌های مباحثه رو در رو پیرامون دروس و تجربه‌های حاصل در یک زمینه مشخص باشد (Goh, 2002: 26).

نتایج پژوهشی در خصوص انتقال دانش به افغانستان حکایت می‌کند که «شرکت کنندگان در برنامه‌های آموزشی بیشتر از انتقال دانش ضمنی سود می‌برند تا شکل صریح آن. شکل‌های ضمنی دانش معمولاً مغفول می‌مانند در حالی که می‌توانند برای یادگیرندگان مؤثرترین مدل باشند» (Kuschminder, 2014: 200).

نقش آفرینی دایاسپورا در انتقال مهارت و تسهیل این جابجایی میان ملت‌ها مورد دیگری است که در آثار موجود بر آن تکیه شده است. اعضای این پاره‌های جمعیتی دور از وطن را بر اساس سطح مهارتشان به سه گروه می‌توان تقسیم کرد: سطح بالا، متوسط و پایین. در این میان افرادی که از سطح بالای مهارت برخوردارند در فرایند انتقال دانش، فناوری و فوت و فن‌های مربوط به آن فعال‌تر ظاهر می‌شوند و به همین دلیل از جایگاهی ویژه و اثرگذاری بیشتری نسبت به سایرین برخوردار هستند (Kuznetsov & Sabel, 2006: 9-10). این اثرگذاری ریشه در واقعیتی دارد که در آن، این افراد علاوه بر تخصص فنی، عموماً از درک مناسبی در تحلیل وضعیت‌ها برخوردارند و از ظرفیت‌های مؤثری برای شبکه‌سازی نیز سود می‌برند. شاید به همین دلیل است که به موازات اهمیت یافتن دایاسپوراها در سیاست و اقتصاد بین‌الملل، جهان شاهد هدایت جریان‌های علم و فناوری نیز توسط این جوامع و اعضای آن‌ها بوده است. امروزه بر کسی پوشیده نیست که کشورهایی نظیر هند، چین، ایرلند و کره جنوبی که تا چند دهه قبل در جرگه مصرف‌کنندگان جهان بودند، در برخی حوزه‌های علم و فناوری در کنار دیگر قطب‌های این عرصه همچون آمریکا و ژاپن به تولید و رقابت مشغول‌اند. این تحول تا حدود زیادی مرهون رفت و برگشت‌های مستمر محققان این کشورها به سرزمین‌هایی است که همواره کوشیده‌اند حوزه‌های مختلف علم و فناوری را در انحصار خود نگاه دارند. سیلیکون ولی^{۴۰} که در دنیا به عنوان یکی از پیشران‌های توسعه در آمریکا شناخته می‌شود، محل گردهمایی و حضور فعالانه شرکت‌های دانش‌بنیانی است که توانسته‌اند نخبگانی از سراسر



دنیا را جذب کنند. آنجلیکا بلندز تراپ^{۴۱} در کتاب خود پیرامون نقش مهاجران در ایجاد و تقویت این قطب علمی - فناوری، علاوه بر اذعان به نقش بی‌بدیل نخبگان چینی، فرانسوی، هندی، ایرانی و آلمانی در پیشینه‌سازی ظرفیت‌های قدرت آفرین برای آمریکا بیان می‌کند: «متخصصان خارجی که به آمریکا مهاجرت کرده‌اند اغلب با مردم این کشور متفاوت هستند. آن‌ها با وجود اینکه از سرزمین‌های مختلفی به آمریکا آمده‌اند، ویژگی‌های مشترکی دارند که باعث تمایزشان از دیگران می‌شود. این افراد با انگیزه، بلندهمت هستند. از کار سخت و سخت کار کردن نمی‌ترسند. آن‌ها فرصت‌های پیشرفت را در جاهایی می‌بینند که دیگران به دیده مشکل به آن می‌نگرند» (Blendstrup, 2007: 8). بر همین اساس است که کشورهای مادری همواره تلاش می‌کنند پاره‌های جمعیتی دور از وطن را در ارتباط با خود نگه دارند و راهبردهایی نیز برای ترغیب آن‌ها به بازگشت طراحی می‌کنند که در برخی موارد موفقیت‌آمیز هم بوده‌اند. چین، هند و ایرلند کامیاب‌ترین نمونه‌ها در این زمینه به شمار می‌آیند (Ancien et al, 2009: 17).

۳. ۴. تأثیرات فرهنگی - اجتماعی

دایاسپوراها به‌خاطر قرار داشتن در موضع اقلیتی و مهاجرتی اقدام به بازتعریف هنجارهای فرهنگی و اجتماعی می‌کنند. این تلاش‌ها بیش از هر چیز برای تطبیق با محیط جدید صورت می‌گیرد. با وجود این بحث شد که این عملیات طوری اجرا می‌شود که باعث مخدوش شدن هسته مرکزی هویت آن‌ها نشود (Clifford, 1994, 303-305). در واقع کنش و واکنش‌های دایاسپورا با جامعه میزبان ذاتا بار فرهنگی دارند و به اقتضای فضایی که در آن واقع می‌شوند می‌توانند اثرگذار باشند. به همین ترتیب تعامل آن‌ها با وطن و هموطنان خود خواه ناخواه انتقال‌دهنده فرهنگ جامعه میزبانی است که اعضای دایاسپورا در آن زیست می‌کنند. این پدیده اگرچه به سختی قابل اندازه‌گیری و نیازمند به کارگیری پژوهش‌های روشمند علمی است اما غیرقابل انکار است.

اعضای دایاسپورا چه وقتی که درگیر اقدامات سیاسی می‌شوند، چه زمانی که در یک فعالیت اقتصادی مشارکت می‌کنند و چه مواقعی که در امر انتقال علم و فناوری ورود کرده‌اند، به‌طور هم‌زمان مشغول داد و ستد فرهنگی هم هستند. در پیش‌پا افتاده‌ترین حالت با انتقال کلمات، اصطلاحات و کالا میان دو فرهنگ پل می‌زنند و در شکل‌های جدیتر با شرکت در گفتگوهای علمی و فعالیت‌های فرهنگی نقش مؤثرتری در تبادلات فرهنگی و اتصال تمدن‌ها به یکدیگر ایفا می‌کنند (Giddens, 2006: 50-59).

41. Angelika Blendstrup



در شرایط مناسب این حضور و تبادل تجربیات فضای تحمل و تکثر را در جوامع تقویت می‌کند، فهم بشری را عمق می‌بخشد و امکانی برای رفع سوء تفاهات میان ملت‌ها ایجاد می‌کند. اما در شرایط نامناسب این وضعیت می‌تواند به تهدیدی برای طرف‌های گوناگون تبدیل شود؛ مثلاً با به چالش کشیده شدن ارزش‌های فرهنگی در جامعه میزبان گروه‌های تندرو به مهاجران تعرض و با دامن زدن به اختلافات ایدئولوژیک عرصه را بر آن‌ها تنگ کنند. در مقابل، مهاجران تحت فشار نیز ممکن است با بهره گرفتن از مسائل و تجربیات مشترک و با قرار گرفتن در کنار دیگر اقلیت‌ها اقدام به ائتلاف‌سازی در درون جامعه میزبان کنند (Gsr&Mescoli, 2015; و همچنین 3-6: Cesari, 2013).

اینجا هم نباید از نقش دولت‌ها غافل شد. آن‌ها این قابلیت را دارند که در عرصه فرهنگی اجتماعی و در همکاری و تعامل با دایاسپوراها دست به ابتکار عمل‌هایی بزنند. این موضوع اغلب به‌عنوان بخشی از یک راهبرد جامع فرهنگی - ملی دنبال می‌شود. دولت‌ها از چهار ابزار برای تشویق و ترغیب دایاسپوراها برای مشارکت در زمینه راهبردهای فرهنگی خودشان استفاده می‌کنند که عبارتند از «گسترش حمایت‌های تازه از وطن، پشتیبانی از ابتکارات محلی دایاسپورا، اعطای نشان افتخار و جایزه و تشویق به بازدیدهای کوتاه از وطن» (Ancien et al, 2009, 17). در ادبیات امروزی سیاست خارجی این مدل از سیاست‌ورزی معمولاً ذیل «دیپلماسی عمومی» دسته‌بندی می‌شود که یکی از هدف‌های آن تصویرسازی درست از وطن / میزبان برای دیگر ملت‌هاست (Szondi, 2008, 23-25). لزوم توجه به بهره‌گیری از ظرفیت و جلب مشارکت تمامی افرادی که در راستای تأمین منافع ملی کشور قلمداد می‌شوند - چه در داخل و چه در خارج از کشور سکونت داشته باشند - در اسناد بالادستی برخی از کشورها انعکاس یافته است. به‌عنوان نمونه، در سال ۲۰۱۰ تنظیم کنندگان سند راهبرد امنیت ملی آمریکا به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اسناد بالادستی این کشور رهبران واشنگتن را ملزم به ارتباط استراتژیک با افراد و نهادهای غیردولتی و تصریح می‌کند: «دولت آمریکا تلاش مستمری برای ارتباط با جوامع مدنی و افراد در سراسر دنیا خواهد داشت. این ارتباط از راه خدمات عمومی، تبادلات علمی و آموزشی، گسترش آمد و شد و تقویت بخش خصوصی صورت خواهد گرفت» (US National Security Strategy, 2010, 12).

۴. جمع‌بندی و نتیجه

دایاسپوراها در دنیای امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا کرده‌اند زیرا از مزیت توانایی بسیج امکانات و افکار عمومی در مقیاسی فراتر از محدودیت‌های جغرافیایی بهره‌می‌برند و بر ظرفیت‌هایی چون شبکه‌سازی و نفوذ استوار هستند. آن‌ها می‌توانند با اتکا به جایگاه منحصر



به فردشان نقش پیش‌ران‌های توسعه پایدار، صلح یا جنگ را در عصر جهانی شدن به عهده گیرند. آن‌ها می‌توانند در یک زمان واحد و بنا به اقتضائات زمان و مکانی که در آن قرار گرفته‌اند، در چند نقطه از جهان کارکردهای متعددی داشته باشند. به‌عنوان نمونه، دایاسپورای عراقی در دوران مبارزه علیه صدام درحالی که بخشی از فعالیت‌های خود (مثل لابیگری و جمع‌آوری کمک‌های مالی) را در یک کشور خاص متمرکز کرده بود (آمریکا) این قابلیت را داشت تا بخش دیگر اقداماتش (مثل گردهمایی عمومی اعضا و فعالیت‌های رسانه‌ای) را در کشوری دیگر طراحی و اجرا کند (انگلیس) و در نهایت هم توانست چندین بار اقدامات نظامی و امنیتی علیه صدام در عراق طراحی و عملیاتی کند.

این قابلیت جوامع دایاسپورایی را به این درجه از توانمندی می‌رساند که سخت‌گیری احتمالی یکی از کشورهای میزبان باعث مختل شدن همه طرح‌ها و اقداماتشان نشود. با در نظر گرفتن این واقعیات چند سالی است که «دایاسپوراها به دغدغه‌ای اساسی برای رهبران سرزمین مادری، دولت‌های میزبان، مخالفان آن‌ها در هر دو کشور و همچنین برای کشورهای رقیب در عرصه فعالیت‌های دیپلماتیک تبدیل شده‌اند» (Shain, 2002, 116). اگرچه به‌طور سنتی پایتخت‌های کشورهای غربی محل حضور و فعالیت این گروه‌ها بوده‌اند، اما در سال‌های اخیر برخی نهادهای بانفوذ جهانی نیز هدف‌های اولویت‌داری برای دایاسپوراها به شمار آمده‌اند که در صدر آن‌ها می‌توان به بانک جهانی، سازمان‌های مردم‌نهاد و بازارهای کالا و سرمایه در سرزمین‌های مادری اشاره کرد.

روند جهانی شدن و به‌ویژه انقلاب ارتباطاتی متعاقب آنکه منجر به ظهور دنیای سایبری شده و زندگی بشر را عمیقاً متأثر ساخته، باعث شده تا دایاسپوراها بتوانند نفوذ مستقیم‌تری بر وطن خود داشته باشند. این مسئله می‌تواند طمع کشورهای میزبان را برای استفاده از این بازیگران در جهت منافع خود برانگیزد؛ به‌خصوص وقتی که به یاد داشته باشیم که دایاسپوراها بازیگران مهمی در دستان طیف متنوعی از فعالان سیاسی هستند. مثلاً در بخش‌های متعددی از سند راهبرد امنیت ملی ایالات متحده که در سال ۲۰۱۵ منتشر شد ضمن تصریح بر ضرورت توانمندسازی افراد و گروه‌های مختلف در سراسر جهان با استفاده از امکانات سایبری و ذیل گفتمان جامعه مدنی بر این اصل تأکید شده که نهادهای مختلف دولت فدرال باید تلاش کنند در همکاری با این گروه‌ها، بلندگی هرچه بیشتر اقتصاد و امنیت آمریکا در سطوح ملی و بین‌المللی را تضمین کنند (US National Security Strategy, 2015). منظور از اشاره به این سند و موارد مشابه به هیچ وجه این نیست که دولت‌های میزبان در پی بسیج مهاجران و دایاسپوراها علیه منافع کشور مادری خود هستند یا اینکه دایاسپوراها چنین تمایلی دارند، بلکه بیش از هر چیز مقصود، برجسته کردن تمهیدات کشورهای میزبان در راستای منتفع شدن



از توانمندی‌های این پاره‌های جمعیتی دور از وطن است.

در اینجا نقش رهبری در جوامع دایاسپورایی، نوع بازتعریف هویت آن‌ها و نحوه ارتباطشان با دولت‌ها اهمیت دوچندان می‌یابد چون اولاً این مهاجرت‌ها و شبکه‌سازی‌های پیرامون آن‌ها به خودی خود، یک‌شبه و فارغ از مشکلات و مداخلات چندساله طرف‌های مختلف شکل نمی‌گیرند و ثانیاً در بستری از عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، آن‌هم ذیل پارادایم حاکم بر روابط بین‌الملل و سیاست جهانی ایجاد می‌شوند، تکامل می‌یابند و فعالیت می‌کنند. در چنین وضعیتی بازیگرانی که از راهبردی مشخص و کارآمدتر برای تعامل با این جوامع برخوردار هستند، فرصت بیشتری برای سود بردن از آن‌ها در اختیار خود قرار می‌دهند و بالعکس هرچقدر ضعف برنامه‌ریزی و تعامل حساب شده با این بازیگران بیشتر باشد زمینه‌های اثرگذاری منفی آنها تقویت خواهد شد. از این منظر، نوشتار حاضر کوشش کرد در راستای کمک به اصلاح ذهنیت و عملکرد مسئولان دولتی، استادان دانشگاه‌ها، پژوهشگران جوان و فعالان مدنی در مواجهه با پدیده پیچیده مهاجرت در عصر جهانی شدن گام بردارد.

کتابنامه

- بهمنی، مهدی. ۱۳۹۵. «دایاسپوراها و منافع ملی جمهوری اسلامی در عصر جهانی شدن»، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی*، سال ۱۲. شماره ۲ (پاییز و زمستان). پیاپی ۴۲. صص ۱۹-۶۱۱.
- «نامه گروهی از فعالان سیاسی و مدنی ایرانی به ترامپ: تحریم‌ها را تشدید کنید»، لینک خبر: <http://farsi.alarabiya.net/fa/iran/2016/12/25> (آخرین دسترسی: ۸ آبان ۱۳۹۶)
- Abdile. Mahdi and Päivi Pirkkalainen. 2011. "Homeland Perception and Recognition of the Diaspora Engagement: The Case of the Somali Diaspora", *Nordic Journal of African Studies* V 20, N 1. pp. 48-70.
- Aikins. Kingsley and Nicola White. 2011. *Global Diaspora Strategies Toolkit*, (Dublin: Diaspora Matters).
- Al-Ali. Najde S. 2007. "Iraqi Women in Diasporic Spaces: Political Mobilization, Gender and Citizenship", *Revue Des Mondes Musulmans et de la Méditerranée* : ۲. See online: <http://remmm.revues.org/3371> (۲۷ دی ۱۳۹۷)
- Anderson. Fiona B. March 2008. "Constructing the Diaspora: Diaspora Identity Politics and Transnational Social Movements", Paper prepared for presentation at the 49th Annual Meeting of the International Studies Association, (San Francisco. CA). p. 2.
- Appadurai. Arjun. 1990. "Disjuncture and Difference in the Global Cultural Economy", *Theory Culture Society*, V 7. pp. 295-310.
- Baser. Bahar, and Ashok Swain. Sep 2008. "Diasporas as Peacemakers: Third Party Mediation in Homeland Conflicts". *International Journal on World Peace* V 25, N 3. pp. 7-28.



- Blayney. Caroline. 2011. "Iraqi American Diasporic Philanthropic Remittances to Iraqi Refugees in Jordan: Past Projects and Potential for Future Partnerships", in *Takaful 2011: The First Annual Conference on Arab Philanthropy and Civic Engagement*, (Cairo: The American University).
- Blendstrup. Angelika. 2007. *They Made It: How Chinese, French, German, Indian, Iranian, Israeli and Other Foreign-Born Entrepreneurs Contributed to High-Tech Innovation in Silicon Valley, the US and Overseas*, (Silicon Valley, CA: Happy About).
- Butler. Kim D. (Fall 2001). "Defining Diaspora, Refining a Discourse", *Diaspora: A Journal of Transnational Studies*, V 10, N 2, pp. 189-219.
- Cakmak. Cenap. 2007. "Civil Society Actors in International Law and World Politics, Definition, Conceptual Framework, problems", *International Journal Of Civil Society Law*, V1, N1, pp. 17-35.
- Cesari. Jocelyne. 2013. "Religion and Diasporas: Challenges of the Emigration Countries", INTERACT Research Report 2013, at: <http://interact-project.eu/docs/publications/Research%20Report/INTERACT-RR-2013-01.pdf> (۱۹ آبان ۱۳۹۷).
- Clifford. James. 1994. "Diaspora", *Cultural Anthropology*, V 9, N 3. pp. 302-338.
- Cohen. Robin. 2008. *Global Diasporas: An Introduction*, (New York: Routledge).
- Cochrane. Feargal et al. August 2009. "Home Thoughts from Abroad: Diasporas and Peace-Building in Northern Ireland and Sri Lanka", *Studies in Conflict and Terrorism*, V 32, Issue 8. pp. 681-704.
- Haynie. Devon. 17 Mar 2016. "10 Countries With the Most Irish Emigrants", usnews, at: <https://www.usnews.com/news/best-countries/articles/2016-03-17/10-countries-with-the-most-irish-emigrants> (۱۹ آبان ۱۳۹۷).
- Ionescu. Dina. 2006. *Engaging Diasporas as Development Partners for Home and Destination Countries: Challenges for Policymakers*; (Geneva: IOM Press).
- Kaldor. Mary. 2001. *New and Old Wars: Organized Violence in a Global Era*, (Massachusetts: Polity Press).
- Kuznetsov, Yevgeny and Charles Sabel. 2006. "International Migration of Talents, Diaspora Networks and Development: Overview of Main Issues", in *Diaspora Networks and the International Migration of Skills*, ed. by Yevgeny Kuznetsov, (Washington, DC: The World Bank Press).
- Liddell. Henry G, and Robert Scott. 1996. *A Greek-English Lexicon*. (Oxford: Clarendon Press).
- Lyons. Terrence. 2007. "Conflict-Generated Diasporas and Transnational Politics in Ethiopia", *Conflict, Security and Development*, V 7: N 4. pp. 529-549.
- Lyons. Terrence and Peter Mandaville. 2010. "Diasporas in Global Politics". Published by the Centre for Global Studies in Gorge Mason University.
- Oxford English Dictionary Online* (2013): <http://www.oxforddictionaries.com/definition/learner/diaspora> (۱۹ آبان ۱۳۹۵).
- Rosenau. James N. 2006. *The Study of World Politics: Globalization and Governance* (Volume 2), New York: Routledge.



- Shain, Yossi. 1994. "Marketing the Democratic Creed Abroad: US Diasporic Politics in the Era of Multiculturalism", *Diaspora: A Journal of Transnational Studies*, V 3, N1. pp. 90-91.
- Shain, Yossi. Summer-Fall 2002. "The Role of Diasporas in Conflict Perpetuation or Resolution", *SAIS Review*, V 22, N 2.
- Sheffer, Gabriel. 2003. *Diaspora Politics At Home Abroad*, (New York: Cambridge University Press).
- Tölölyan, Khachig. Spring 1996. "Rethinking Diaspora(s): Stateless Power in the Transnational Moment". *Diaspora: A Journal of Transnational Studies*, V 5, N 1. pp. 3-36.
- White House (The), *US National Security Strategy*, Feb 2015, at:https://www.whitehouse.gov/sites/default/files/docs/2015_national_security_strategy.pdf (۱۹ آبان ۱۳۹۷).